



نگاهی گذرا به ادبیات در دورهٔ مشروطه

پروانه درویش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

می‌خورد در شکست این نهضت نقشی داشت؟ بی‌گمان رابطهٔ مسائل اجتماعی و ادبیات، رابطه‌ای دوسویه است. هم مسائل اجتماعی و سیاسی دورهٔ مشروطه در ادبیات تأثیر جدی گذاشت و هم ادبیات در مشروطه.

ادبیات برای بسترسازی و فراهم آوردن زمینه‌های روشنفکری و گسترش شعارهای مشروطه نقش اساسی ایفا کرد. ادبیاتی که در دوران مشروطه به وجود آمد بیشتر هدف آشنا کردن اذهان مردم به حقوق خودشان را در پیش گرفته بود. مردم به خاطر حقارت‌هایی که در زمان حکومت قاجار متحمل شده بودند و خود را از بیان کردن مسائلشان ناتوان می‌دیدند، نوشتن را تنها راهی یافتند که می‌توانست تا حدی دردهایشان را التیام بخشد. اگرچه

برداشت مختلف گروه‌های متفاوت اجتماعی از مشروطیت، به ادبیات مشروطیت نیز تسری یافته است. اینکه از نظر هر یک از این نویسندگان و شاعران، احقاق حقوق ازدست‌رفتهٔ ملت و مفهوم آن چه معنایی دارد و راه احقاق این حقوق چیست، پرسش اساسی است که یافتن پاسخ آن، زیربنای تفکر هر یک از این نحله‌های فکری را نمایان می‌سازد.

تحلیل آثار ادبی دوران مشروطه و تفاوت‌های بسیار در آرای ادیبان معاصر این اتفاق تاریخی را آشکار و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اختلاف نویسندگان و شعرای این دوره بر سر محتوا و معنی کلمات جدیدی که به کار می‌بردند باعث به بیراهه افتادن نهضت مشروطه شد یا خشونت‌هایی که در ادبیات این دوره به چشم



بستر این ارزشگذاری و خودباوری در مردم در سال‌های پیش از انقلاب مشروطیت به ویژه در ۲۵ سال آخر حکومت ناصرالدین شاه از زمان اقدامات امیرکبیر در ایران به وجود آمده بود؛ شهامت، تدبیر، بی‌ریایی و فعالیت‌های شدید امیرکبیر در جهت اصلاح اقتصاد و شکوفا کردن اقتصاد ملی از یک سو و انجام اقدامات فرهنگی از قبیل تأسیس دارالفنون، اعزام محصل و دانشجو به خارج، تأسیس روزنامه وقایع اتفاقیه و... از سوی دیگر، به استقلال و حاکمیت سیاسی منجر شد. مجموعه این شرایط، جامعه ایران را در قرن نوزدهم دچار دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کرد و همین تحولات بسترهای مناسب رشد آگاهی سیاسی و ملی را فراهم آورد. دگرگونی در ساختار ادبیات هم در همین دوران آغاز شد.

پیرو همین اقدامات در دوران نهضت مشروطه شاهدیم که در نوشته‌ها عم از نثر و نظم سبک ساده‌نویسی پدیدار می‌شود. رفت‌وآمدهای درباریان و متعاقب آن، روشنفکران به کشورهای اروپایی باعث شد مفاهیم جدیدی مثل «آزادی»، «وطن»، «قانون» و... که تا آن زمان در نوشته‌ها استفاده نمی‌شد به کار گرفته شود. شعرایی مثل ایرج و بهار دیگر دنبال این نبودند که شعری بسرایند که به مذاق دربار خوش آید و به عقیده دکتر قاضی‌شیراز: "سبک شعر در این دوره به سبک هندی برگشت با این تفاوت که در دوره سبک هندی به علت بیسوادی شعرا مطالب آنها دشوار فهمیده می‌شد ولی در دوره مشروطه چون کار نویسندگان و هنرمندان اساساً نفی زبان ادبی نامفهوم سده‌های گذشته بود، نوشته‌ها به زبان محاوره‌ای تحریر شد و شعرها عامیانه". این آثار واژه‌های محاوره‌ای و اصطلاحات عامیانه آن روزگار را نیز وارد ادبیات کردند. قواعد وزنی کمتر دیده می‌شد و همراه با مثنوی و قصیده و غزل، قالب‌های آوازها و سرودهای عامیانه دسته‌جمعی و همه‌جاگیر شد. همین ساده‌نویسی باعث شد که مردم نزدیکی بیشتری بین خودشان و نویسندگان حس کنند و فاصله بین آنها کمابیش از بین رفت. حضور نویسندگان و شعرا در بین مردم و دلگرمی آنها به پشتوانه مردمی، موجب شد انتقادهای سیاسی رواج پیدا کند، نویسندگان هر چه بیشتر با نوشته‌های آتشین خود مبارزات را پی بگیرند و بخش بیشتر تألیفات این دوره از نظر محتوا با حوادث سیاسی سروکار داشته باشد.

در انقلاب مشروطه شاعرانی همچون عارف قزوینی، بهار، یحیی دولت‌آبادی، ابوالقاسم لاهوتی، نسیم شمال (سیداشرف‌الدین گیلانی)، عشقی، ایرج میرزا و... در ادبیات ایران ظهور کردند. آنان شاخه‌ای تازه در ادبیات ایران پی‌ریزی کردند که می‌توان آن را «ادبیات سیاسی» نامید. در این دوره مضامین سیاسی - اجتماعی جای مضامین متداول و عاشقانه را در شعر کلاسیک ایران گرفت و تحولاتی نیز در قالب و شکل شعر پدید آمد. از این رو می‌توان دوره مشروطه را سرآغاز ادبیات معاصر ایران قلمداد کرد.

در خلال مبارزات مشروطه‌خواهی، ادبیات ایران به صورت یک ادبیات سیاسی و پرخاشگر علاوه بر قالب کتاب یا دیوان، در قالب روزنامه و مجله نیز متبلور شد و روزنامه‌نگاری آیینی تمام‌نمای ادبی آن دوره شد. نزدیک به ۹۰ نشریه متنوع که بیشترشان دارای معیارهای عالی ادبی بودند در ایران پا گرفتند، در زیر به نمونه‌هایی از شعر این دوره اشاره می‌شود:

الا ای مرگ! در جانم درآویز
که جام عمر من گردید لبریز
(کلیات دیوان میرزاده عشقی، ص ۵۴۶)

گر خدا خواهد بجوشد بحر بی‌پایان خون
می‌شوند این ناخدایان غرق در طوفان خون
(دیوان فرخی یزدی، ص ۱۶۳)

شد خرمن ما دستخوش برق ببین
طوفان به خلاف رسم شد غرق ببین
خواهی اگر آن نکات طوفانی را
در آتیه از ستاره شرق ببین
(دیوان فرخی یزدی، ص ۱۸)
انجمن عدل را به ملک بیاراست
دست ستم را بیست و پای ستمگر
(دیوان بهار، ج ۱، ص ۳۴)

ملکا جور مکن پیشه و مشکن پیمان
که مکافات خدایت بگیرد دامان
(دیوان بهار، ج ۱، ص ۱۲۶)

مشهور به ملک‌الشعرای بهار است. چکامه‌ها و طنزهای او مملو از تأسف بر وضع موجود و تمجید دلسوزانه از مشروطیت است. یکی دیگر از شاعران این دوره یحیی دولت‌آبادی است. وی از همان آغاز خیزش مشروطیت به آن پیوست و بعدها سردبیر، مبلغ، مترجم، شاعر و نماینده مجلس شد.

قالب‌های شعر مشروطه

ویژگی‌های شعر دوره مشروطه را می‌توان به چندین وجه تقسیم‌بندی نمود: «قالب، زبان و شیوه بیان، درونمایه (مضمون)، منابع شعر مشروطه، پارسی سره‌نویسی، سادگی و روانی زبان و...»

قالب‌های کهن شعر فارسی در شعر مشروطه دگرگون نشد و از بین نرفت و اشکال کلاسیک همچنان حفظ شد، ولی برخی قالب‌های خشک مانند قصیده از چشم افتاد و چندان تمایلی به استفاده از آن نبود اما در کنار مثنوی و غزل قالب‌های مستزاد و مسمط از سوی سرایندهگان مورد توجه بیشتری قرار گرفت.

با این همه، به اعتقاد پاره‌ای از پژوهشگران، زنده‌ترین قالب شعری در این دوران مثنوی است که زبان ساده و انعطاف‌پذیر از ویژگی‌های آن است و از نمایندگان برجسته آن می‌توان ایرج میرزا را نام برد که اساساً در تحول زبان شعر در آن دوران و ساده‌گویی نقش انکارناپذیری دارد. تصنیف هم که تا پیش از این دوره چندان مورد توجه نبود و حتی از سوی نخبگان مورد تحقیر و تمسخر واقع می‌شد به عنوان سبک شناخته شده‌ای در شعر مشروطه درآمد. از این شیوه بیان در آثار هجایی و به ویژه در تغزل‌های وطنی بیشتر استفاده می‌شد. شاعران ضمن استفاده از این شیوه، همه ویژگی‌های آن را به ویژه وزن که بر پایه ملودی (آهنگ) شکل می‌گرفت و تکرار پاره‌ای از ابیات پس از هر بند را رعایت می‌کردند. عارف قزوینی از تصنیف‌سازان نامی این دوره است.

درونمایه شعر مشروطه

در میان واژگانی که در ادبیات این دوره به کار گرفته می‌شد، چندین واژه شاخص وجود دارد که می‌توان آنها را نماد مفاهیم نوظهوری همچون وطن و آزادی دانست. مسعود عرفانیان در پژوهش خود با عنوان «جایگاه شعر در ادبیات مشروطه» این

خون چو سرچشمه آب حیات است
پیش خون نقش هر رنگ مات است
(دیوان عارف، ص ۴۱۴)

با این حال، میهن‌پرستان تنها هنر واقعاً اصیل را حماسه قهرمانی فردوسی دانستند و در آن بیان کاملی از افتخار ملی را یافتند.

ضحاک عدو را به چکش مغز توان کوفت
سرمشق گر از کاوه حداد بگیرید
(دیوان فرخی یزدی، ص ۱۲۲)

عید نوروزی که از بیداد ضحاک‌ی عزاست
هر که شادی می‌کند از دوده جمشید نیست
(دیوان فرخی یزدی، ص ۱۰۸)

پشت امرا به پیش سفها خم تا کی؟
ظلم ضحاکان در مملکت جم تا کی؟
(دیوان بهار، ص ۵۱۷)

شعر

نخستین شاعر دوره انقلابی مشروطه که تمام ملت ایران گوش به او سپرد، عارف قزوینی بود. دیوان عارف برای نخستین بار همراه با مقدمه‌ای از رضا شفق و یک شرح حال ناقص به سبک اعترافات روسو در سال ۱۳۰۳ش. در برلین چاپ شد. دیوان او شامل تصنیفات و غزلیاتی است که در سایه هنر موسیقی شاعر در سرتاسر مملکت به شهرت رسیده بودند. عارف نمونه‌ای از شاعران و خنیاگران دوره‌گرد قرون وسطای ایران بود که همیشه به دنبال نوعی اضطراب درونی می‌خواند و می‌نوشت؛ شخصیتی مردمی که هر از گاهی رخ می‌نماید، می‌خواند و سپس ناگهان انگار در سرب خیال‌انگیز صبح محو می‌شود. عارف هرگز متفکری ژرف‌نگر نبود، شاعری بود که می‌دانست به چه شکل باید الهامش را با عوامل خودانگیز انقلابی و با آهنگ دل‌انگیزی برای سرودهای مردمی تلفیق دهد.

یکی دیگر از شاعران برجسته این دوره، میرزا محمدتقی



تقسیم‌بندی را به این شکل توضیح می‌دهد:

وطن: ناسیونالیسم، ملیت، پان اسلامیسیم (اتحاد اسلامی)، شوونیسم، حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش.

زان که وطن خواهم و نجات وطن را

دارم چشم از خدایگان سلاطین

(دیوان بهار، ص ۵۱۱)

ای وطن پرور ایرانی اسلام‌پرست

همتی زانکه وطن رفت چو اسلام ز دست

(دیوان فرخی یزدی، ص ۲۰۳)

آزادی: دموکراسی اجتماعی، آزادی بیان، قلم، گفتار و افکار، آزادی احزاب، برپا نمودن حکومت قانون، پارلمانتاریسم، استقلال سیاسی و اجتماعی.

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی

که روح‌بخش جهان است نام آزادی

(دیوان فرخی یزدی، ص ۱۶۹)

فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش

بنمایید که هر کس نکند مثل من است

(دیوان عارف، ص ۲۰۲)

در میان مسائل متعدد ایدئولوژیک که مورد بحث قرار داشتند وضعیت زنان بود که به زودی به میان کشیده شد. اشعار این دوره اغلب دارای مضامینی بود که در آنها ضرورت آموزش زنان، برابری آنان با مردان و رهایی از وضعیت نامطلوب اجتماعیشان عرضه شده بود.

مر تو را ای مرد زن چون سایه است

لاجرم چون سایه دنبالت کند

هر چه دنبالش کنی بگریزد او

هر چه بگریزی تو دنبالت کند

(کلیات شعر میرزاده عشقی، ص ۵۴۰)

انتقادهای سیاسی و اجتماعی: انتقاد از خودکامگی حاکم، انتقاد از بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها، انتقاد از بی‌توجهی به سرنوشت وطن و...

هر روز که یکی غنی بمیرد

فیروز و مبارک است آن روز

گر جمله اغنیا بمیرند

گردد همه روز عید نوروز

(کلیات شعر میرزاده عشقی، ص ۵۰۴)

نثر

نثر دوره مشروطیت با حیات معاصر ملت ایران و مسائل کوبنده آن پیوند خورده و وظیفه میهن‌پرستانهٔ رمان‌نویسان را به سوی مضامین تاریخ باشکوه ایران سوق داده است. نثر این دوره نثری است بین دورهٔ قاجار و دورهٔ معاصر، بنابراین سجع و استشهاد و به طور کلی صنایع ادبی ساده به کار رفته است آن هم به‌ندرت. این گونه کاربرد نه تنها باعث ملال و دیرفهمی خواننده نمی‌گردد، بلکه نثری جذاب خلق می‌شود که خواننده از آن لذت برده و شواهد شعری یا آیات و احادیث به کار رفته فهم مطالب را آسان‌تر می‌کند. نویسندگان این دوره می‌کوشند زبان نگارشی را به زبان محاوره‌ای نزدیک کرده و از اصطلاحات، تکیه کلام‌ها و مثل‌های مردم در نثر خود استفاده برند. نثر این دوره از لحاظ ذهنی دارای چند خصوصیت است از جمله: دنیاگرایی، ملی‌گرایی، آزادی و آزادی‌خواهی (دموکراسی)، وطن‌دوستی (مفهوم ناسیونالیسم غربی) به ویژه در آثار طالبوف و مراغه‌ای، سنت‌شکنی و خرافه‌ستیزی، انتقاد از همه، توجه به تمدن اروپاییان و ستایش نظم و قانون اروپا که به خصوص در آثار ملک‌خان نمایان است و تعلیم و تربیت که بهترین نمونهٔ آن در کتاب «احمد» از طالبوف دیده می‌شود.

نویسندگانی مثل طالبوف، ملک‌خان و دهخدا مکتب خاصی را به‌وجود آوردند که بیشتر با احساسات آن روزگار نزدیک بود. آثار ادبی اروپایی (به ویژه فرانسه) که به ایران رسیده و به فارسی ترجمه شده بود مثل آثار موریه، سروانتس، مولیر، ژول ورن، شاتو بریان، ویکتور هوگو و الکساندر دوما می‌پدر، و ترجمهٔ آنها به فارسی ضروری بود تا ایرانیان زبان نویی را به‌وجود آورند. به این ترتیب در ادبیات فارسی ترجمهٔ یک اثر خلاق، عاملی مهم در ایجاد زبان جدید شد. گاه ترجمه‌ها آنقدر موفق و استادانه از آب در می‌آمد که از بخش‌های اساسی ادبیات ملی می‌شد مانند حاجی بابا (اثر موریه).

تعداد دیگری از نویسندگان و متفکران ایرانی در خارج از کشور به سر می‌بردند که در مبارزه برای نیل به آزادی، قانون‌خواهی و مشروطیت با دیگر پیشگامان همراه بودند. یکی از این افراد



هایشان عقاید دموکراسی مستقیماً از اروپا و خاصه از فرانسه به ایران راه یافت در هوشیاری ملی و سیر تعقل اجتماعی جدید در ایران بسیار تأثیرگذار بودند، خاصه در مورد نویسندگانی که در خارج از ایران بودند. اما از این گروه ملک‌خان و مستشارالدوله جزء اولین کسانی هستند که در فلسفه حکومت و حقوق اساسی فردی آثاری به فارسی نوشتند. آنان اندیشه‌های نو را مستقیماً از حکمای فرانسه گرفتند؛ از اصول نوگرایی و معنی و هدف آن به خوبی آگاه بودند و بدان ارجح می‌نهادند. آنها به اندیشه‌های جدید سیاسی در انگلیس و فرانسه دسترسی مستقیم داشتند ولی به حکم اقتضا و مصلحت، اندیشه‌های مشروطه‌گری را رنگ اسلامی زدند، مثلاً میرزا یوسف برای توجیه عقایدش در رساله «یک کلمه» آنجا که قانون اساسی فرانسه را با قوانین اسلامی مقایسه می‌کند به آیات و روایات استدلال می‌جوید و متوسل به فقه سنتی می‌شود. روشنفکران زیر نفوذ بورژوازی غربی قرار داشتند و از منافع اقتصادی و سرمایه‌گذاری غرب در ایران برای کسب منافع ملی علناً پشتیبانی می‌کردند. ملک مبارزترین رجل روشنفکر دربار ناصرالدین‌شاه بود. وی اولین کانون ترقی‌خواهی و آزادی‌طلبی را در خود دربار ایجاد کرد و مکتبی بنیان نهاد که مؤثرترین عامل نشر اندیشه آزادی و تجددخواهی در ایران گردید. اعتقاد ملک این بود که برای ترویج اصول آزادی باید بزرگان قوم اعم از زمامداران و پیشوایان دینی را با افکار سیاسی و اجتماعی جدید آشنا ساخت.

۲. نویسندگانی که هواخواه نظام‌های غیردینی بودند، از این گروه می‌توان به طالبوف اشاره کرد او که یک بورژوازی ایرانی ساکن روسیه بود همواره با ملت‌گرایان طبقه متوسط ایرانی همصدایی و مشروطه‌گری را در بیشتر موارد همان‌گونه که بود تفسیر می‌کرد.

۳. نویسندگانی که بیشتر به تم‌های بومی و ملی و مذهبی علاقه‌مند بودند.

۴. مذهبی‌های علاقه‌مند به نوگرایی و تغییرات بیشتر. و در مجموع اینکه بدون استثنا هر کس در این دوره قلم زد از هرج و مرج و بی‌قانونی دوره قاجار نالید. آزادی، مساوات، عدالت و پیشرفت همه در گرو ایجاد تنظیمات و تشکیلاتی است تا حقوق افراد را محترم دارد.

مستشارالدوله مردی بیدار دل و روشنفکر بود و همیشه آرزوی نظم و اقتدار کشور خویش را در سر می‌پروراند. گویند در هنگام اقامت خود در تفلیس به دوستان خود می‌گفته: «چه می‌شد که در وطن عزیزم نظم و آسایش و آبادی حاصل می‌گردید.»

مستشارالدوله در نشر اندیشه آزادی در ایران مقام ارجمندی دارد. او اصول افکار سیاسی خود را در رساله یک کلمه، که به سال ۱۲۸۷ ه. ق در پاریس نوشته، بیان کرده است.

این افراد عملاً امکان بیان افکارشان را در داخل کشور نداشتند و در خارج از ایران در فرانسه، هند و عثمانی که بستر مناسب‌تری برای ایشان مهیا بود به سر می‌بردند. در پژوهشی که محمدصالح خطیبی در این زمینه انجام داده، به کتاب‌های برجسته این گروه از جمله «میکادونامه» اثر میرزا حسینعلی تاجر شیرازی و «مکالمه سیاح ایرانی» اشاره کرده است.

کتاب «میکادونامه» در تجلیل از علل پیشرفت ژاپن و فواید نظام مشروطه نوشته شد و کتاب «مکالمه سیاح ایرانی» که گفت‌وگویی خیالی بین سیاح ایرانی و دانشمند هندی و انتقادی بر فضای حاکم بر جامعه است، هر دو در هندوستان چاپ شد.

در این دوره دامنه نثر و شعر گسترش یافت و انواع ادبی به این شرح به وجود آمد: روزنامه‌نگاری، مقاله (رساله)، طنزنویسی، داستان‌نویسی ترجمه، نمایشنامه‌نویسی و نقد.

طنز نیز در ادبیات این دوره گسترش زیادی یافت. مضمون و مفاد طنز، پیش از آن مسأله شخصی بود، ولی در دوره مشروطه به صورت مضمون سیاسی با مفهوم گسترده‌تری درآمده بود.

یکی از رمان‌هایی که در دوره نهضت مشروطه به چاپ رسید رمان «دام‌گستران» به قلم صنعتی‌زاده کرمانی بود، که صحنه‌های مبارزات قهرمانان آن با پلیدی‌ها یادآور صحنه‌های جنگ‌ها و حماسه‌ها در شاهنامه است. یکی دیگر از رمان‌های تاریخی این دوره، رمان «عشق و سلطنت» اثر شیخ موسی است.

رشد اندیشه‌های نو سیاسی را با توجه به دیدگاه بانیان آن محمدصالح خطیبی در پژوهشی با عنوان «ادبیات سیاسی مشروطه» به شکل زیر تقسیم‌بندی کرده است:

۱. پیشروان نهضت آزادی ایران که وابسته به نظام حاکم بودند — از این افراد می‌توان میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزاملک‌خان، میرزا یوسف مستشارالدوله و... را نام برد — اگرچه در نگرش